

Research Paper

Analyzing the Conflict of Dowry Laws in the Legal Systems of Iran  
and the United States

Hamed golyjani moghadam<sup>1</sup> , mehdi sheikhmahmoudi<sup>2</sup> , HediyeH sadat Seyyedi<sup>3</sup> 

1-PhD in International Law, Lecturer, Department of Law, Tonkabon Branch, Islamic Azad University, Tonkabon, Iran.

2-Assistant Professor, Department of Law, Tonkabon Branch, Islamic Azad University, Tonkabon, Iran.

3-Graduated with a master's degree in educational management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran.

**Receive:**

24 Jul 2025

**Revise:**

03 Sept 2025

**Accept:**

10 Sept 2025

**Published online:**

19 Sept 2025

**Abstract**

Conflict of laws is one of the most complex issues in international law, which is most evident in family relationships between people from different countries. This issue becomes particularly important when both parties in an international relationship are subject to different legal systems. One of the main issues that faces many challenges in this field is dowry, which is recognized as a legal right for women in Iran, but in many Western countries, including the United States, it is treated with a fundamentally different concept. The main purpose of this research is to analyze the conflict of dowry laws in the legal systems of Iran and the United States. The research method is descriptive-analytical in terms of purpose, application, and method. By referring to various sources, using the tool of record-keeping, the relevant materials were collected and then described and explained the subject. The findings show that dowry is officially recognized in Iranian law, while in the American legal system it is not precisely defined, but rather premarital financial agreements are more common in this country. A foreign court ruling is enforceable in the courts of these two countries when the law governing the nature of the dispute does not conflict with the public order of these two countries. Otherwise, its enforcement will be refused. Since divorce laws in the United States are different, it is expected that each state will apply its own laws in the conflict of laws issue regarding dowry in the United States. Accordingly, the enforcement of dowry in American courts is complicated and to some extent impossible.

**Keywords:**

Conflict of laws,  
dowry, Iran,  
United States,  
personal status.

**Please cite this article as (APA):** golyjani moghadam.H , sheikhmahmoudi.M, Seyyedi.HS. (2025). Analyzing the Conflict of Dowry Laws in the Legal Systems of Iran and the United States. *Journal of Business law and economics*, (2) 3, 460-475.

**Sponsored by:** Institute of Somamos Publications

[10.22034/jble.2025.550636.1029](https://doi.org/10.22034/jble.2025.550636.1029)



**Corresponding Author:** Hamed golyjani moghadam

<https://orcid.org/0009-0009-2385-6614>



**Email:** [Hgmoghadam@iau.ac.ir](mailto:Hgmoghadam@iau.ac.ir)

This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).





مقاله پژوهشی

واکاوی تعارض قوانین مهریه در نظام حقوقی ایران و آمریکا

حامد گلیجانی مقدم<sup>۱</sup>، مهدی شیخ محمودی<sup>۲</sup>، هدیه سادات سیدی<sup>۳</sup>

۱- دکتری حقوق بین الملل مدرس گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۳- دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مؤسسه آموزش عالی شفق، تنکابن، ایران.

<p><b>چکیده</b></p> <p>تعارض قوانین یکی از پیچیده‌ترین مسائل در حقوق بین‌الملل است که در روابط خانوادگی بین افراد از کشورهای مختلف بیشتر به چشم می‌آید. این مسئله زمانی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که هر دو طرف در یک رابطه بین‌المللی تابع سیستم‌های حقوقی متفاوت باشند. یکی از موضوعات اصلی که در این زمینه با چالش‌های فراوان مواجه می‌شود، مهریه است که در ایران به‌عنوان یک حق قانونی برای زن شناخته می‌شود، اما در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده آمریکا، اساساً با مفهومی متفاوت برخورد است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل تعارض قوانین مهریه در نظام حقوقی ایران و آمریکا است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و روش، توصیفی-تحلیلی است و از طریق مراجعه به منابع مختلف، با استفاده از ابزار فیش برداری، مطالب مرتبط را جمع‌آوری و سپس به توصیف و تبیین موضوع پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهریه در حقوق ایران به صورت رسمی شناخته شده در حالی که در نظام حقوقی آمریکا به طور دقیق تعریف نشده، بلکه توافقات مالی قبل از ازدواج در این کشور معمول تر است. زمانی حکم دادگاه خارجی در دادگاه این دو کشور قابل اجراست که قانون حاکم بر ماهیت دعوا با نظم عمومی این دو کشور مغایرت نداشته باشد در غیر این صورت از اجرای آن خودداری می‌شود و از آنجا که قوانین طلاق در ایالت‌های متحده آمریکا متفاوت است بنابراین انتظار می‌رود که در بحث تعارض قوانین در باب مهریه در آمریکا نیز هر ایالتی قوانین خاص خود را اعمال نماید، با این حساب اجرای مهریه در دادگاه آمریکا پیچیده و تا حدودی ناممکن است.</p>	<p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۵/۰۲</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۱۲</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۱۹</p> <p><b>تاریخ انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۳۰</p> <p><b>کلید واژه‌ها:</b>                      تعارض قوانین، مهریه، ایران، آمریکا، احوال شخصیه.</p>
---	--

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): گلیجانی مقدم، حامد؛ شیخ محمودی، مهدی و سیدی، هدیه سادات. (۱۴۰۴). واکاوی تعارض قوانین مهریه در نظام حقوقی ایران و آمریکا، *دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد*، ۳(۲)، ۴۶۰-۴۷۵.

	<a href="https://doi.org/10.22034/jble.2025.550636.1029">10.22034/jble.2025.550636.1029</a>	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماپوس
	<a href="https://orcid.org/0009-0009-2385-6614">https://orcid.org/0009-0009-2385-6614</a>	نویسنده مسئول: حامد گلیجانی مقدم
	این مقاله تحت شرایط <a href="https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa">https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa</a> قابل بازنشر است.	ایمیل: <a href="mailto:MHgmoghadam@iau.ac.ir">MHgmoghadam@iau.ac.ir</a>



مقدمه

تعارض قوانین به طور کلی یکی از مباحث مهم و پیچیده حقوق است و تعارض قوانین در روابط خانوادگی به طور خاص موضوعی بغرنج و دارای اهمیت ویژه می باشد. به خصوص که با گسترش روابط بین المللی، روابط بین اتباع دولت ها دستخوش تحولات عمیق شده است. موضوع تعارض قوانین در روابط خانوادگی زمانی مطرح می شود که در مساله حقوق خصوصی که مربوط به مصادیق روابط خانوادگی باشد، یک عنصر خارجی در قضیه وجود داشته باشد. بنابراین، در یک دعوی مربوط به روابط خانوادگی داخلی که بین اتباع یک کشور اتفاق می افتد و محل اجرای آن نیز همان کشور است، آشکار است که مسأله تعارض قوانین در دادگاه های این کشور وجود نخواهد داشت، بلکه قواعد و قوانین داخلی همان کشور بر چنین دعوایی اعمال خواهند گردید. اما چنان چه یکی از عناصر خارجی موجود باشد، مسائل متعددی مطرح خواهند شد که قانون کشور خاصی باید آنها را حل نماید. در مسأله تعارض قوانین در روابط خانوادگی همواره این سؤال مطرح می شود که کدام قانون (سیستم حقوقی) بر مسأله متنازع فیه حاکم خواهد بود. یکی از برجسته ترین مسائل تعارض قوانین در زمینه حقوق خانوادگی، در بحث مهریه مطرح می شود که در حقوق ایران از یک جایگاه ویژه برخوردار است، در حالی که در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکا، به طور کامل یا جزئی پذیرفته نمی شود. در این زمینه، مهریه در ایران یکی از ارکان اصلی عقد نکاح است که زن حق دارد در صورت طلاق یا فوت همسر خود آن را مطالبه کند. در حالی که در آمریکا، به ویژه در ایالاتی که بیشتر درگیر مسائل حقوقی مربوط به طلاق و خانواده هستند، مهریه به عنوان یک تعهد قانونی برای مرد به طور رایج وجود ندارد و اکثر مسائل مالی بین زوجین تحت عنوان نفقه یا توافقات مالی در طلاق قرار می گیرند. به عبارت دیگر، وقتی یک زن ایرانی بخواهد مهریه خود را از همسر آمریکایی خود مطالبه کند، با چالش های حقوقی و قضائی پیچیده ای مواجه خواهد شد. برای درک بهتر این مسئله، می توان به یک مثال فرضی اشاره کرد:

فرض کنید که خانم نیکو، یک زن ایرانی، در سال ۲۰۱۰ با آقای جانسون، یک مرد آمریکایی، در ایران ازدواج می کند. در زمان عقد، طبق قوانین ایران، مهریه ای معادل ۱۰۰ سکه طلا برای خانم نیکو تعیین می شود. آن ها پس از ازدواج به ایالات متحده مهاجرت می کنند و در ایالت کالیفرنیا زندگی می کنند. پس از ۱۰ سال زندگی مشترک، به دلیل اختلافات غیرقابل حل، این زوج تصمیم به طلاق می گیرند. خانم نیکو برای دریافت مهریه خود که در عقدنامه ثبت شده، به دادگاه های ایران درخواست می دهد، اما آقای جانسون از پرداخت آن امتناع می کند و اعلام می کند که در ایالات متحده مهریه به عنوان یک تعهد قانونی به رسمیت شناخته نمی شود و او هیچ الزامی به پرداخت آن ندارد. خانم نیکو تصمیم می گیرد که از طریق دادگاه های ایالات متحده برای اجرای حکم مهریه صادره از دادگاه ایران اقدام کند. در این شرایط، او با چالش هایی بزرگ مواجه می شود: الف) عدم پذیرش مهریه در حقوق آمریکا؛ در آمریکا، دادگاه ها اصولاً مهریه ایرانی را به عنوان یک بدهی مالی قانونی نمی شناسند و آن را فقط در صورت موافقت طرفین یا در قالب توافق های مالی در طلاق (نفقه) می پذیرند. ب) چالش اجرای حکم خارجی: برای اینکه خانم نیکو بتواند حکم مهریه صادره از دادگاه ایران را در ایالات متحده به اجرا درآورد، باید از طریق کنوانسیون نیویورک برای اجرای احکام خارجی اقدام کند. این کنوانسیون به کشورها اجازه می دهد که برخی از احکام قضائی صادره از کشورهای دیگر را به رسمیت بشناسند و به اجرا درآورند. اما



در این مورد خاص، دادگاه‌های ایالات متحده ممکن است مهریه ایرانی را نپذیرند و درخواست اجرای آن را رد کنند، مگر اینکه این حکم با اصول عمومی حقوق آمریکا مغایرت نداشته باشد. (محدودیت‌های اجرایی در ایالات متحده: حتی اگر دادگاه آمریکا حکم مهریه را به رسمیت بشناسد، اجرای آن در عمل پیچیدگی‌های فراوانی خواهد داشت. برای مثال، اگر آقای جانسون اموالی در ایالات متحده نداشته باشد یا از پرداخت مهریه خودداری کند، خانم نیکو ممکن است نتواند از مقامات آمریکایی برای توقیف دارایی‌های او یا گرفتن حکم حبس استفاده کند، چرا که در بسیاری از ایالات، چنین احکام مالی تحت عنوان نفقه (که مربوط به طلاق است) پذیرفته می‌شود، نه مهریه. در ایران، مهریه نه تنها یک حق مالی بلکه یک مولفه مهم فرهنگی و اجتماعی است که به‌طور معمول به‌عنوان تضمینی برای امنیت مالی زن در نظر گرفته می‌شود. این امر باعث می‌شود که مهریه در نظام حقوقی ایران بسیار معتبر و قابل پیگیری باشد. در عوض، در ایالات متحده، مهریه به دلیل فقدان ارزش قانونی و اجتماعی مشابه، در بسیاری از مواقع نادیده گرفته می‌شود و قوانین طلاق بیشتر بر اساس توافقات مالی و نفقه تنظیم می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که زنان ایرانی در پیگیری مهریه خود در ایالات متحده با آن مواجه می‌شوند، چالش‌های اجرایی است. حتی اگر دادگاه‌های ایالات متحده حکم مهریه ایران را به رسمیت بشناسند، اجرای آن ممکن است با مشکلات جدی مواجه شود. زن ایرانی باید وکیل متخصص در حقوق بین‌الملل داشته باشد تا بتواند از طریق روش‌های مختلف از جمله اجرای احکام خارجی، این حکم را به اجرا درآورد. قبل از آن که به صورت گسترده‌تر به بررسی موضوع اصلی بپردازیم باید ابتدا درک مفهومی از تعارض قوانین و مهریه در این دو نظام حقوقی داشته باشیم، بنابراین در گفتار اول به مفهوم کلی تعارض قوانین پرداخته شده است و در گفتار دوم به صورت مختصر مهریه و چالش‌های مطالبه آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### گفتار اول: مفهوم تعارض قوانین

هنگامی که یک رابطه حقوقی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور مرتبط و قوانین آن کشورها در خصوص آن وضعیت حقوقی احکام متفاوتی داشته باشد، به طوری که در نهایت آثار مختلفی از خود تولید نمایند، تعارض قوانین مطرح می‌شود که برای یافتن راه حل و اجرای قانون مناسب، مجبور به انتخاب بین این قوانین خواهیم بود. برای درک بهتر مطلب، به ذکر یک مثال بسنده می‌کنیم: فرض کنید یک زن و یک مرد فرانسوی که در ایران اقامت دارند می‌خواهند در کشور ایران ازدواج کنند. در این جا ما با مسئله تعارض قوانین مواجه خواهیم بود زیرا با یک رابطه ی حقوقی خصوصی (ازدواج) مواجه هستیم که به واسطه دخالت عامل خارجی (کشور فرانسه) به دو کشور ایران و فرانسه که دارای قوانین مختلف هستند مرتبط شده است. (الماسی، ۱۳۹۰) یونان اولین کشوری است که به مسائل بین کشورها از دید تعارض قوانین توجه داشته ولی پیدایش این بینش منجر به پیدایش قواعد حل تعارض به مفهوم رایج عصر حاضر نشد. پس از یونان تحولات اساسی تعارض قوانین را می‌توان در حقوق روم مشاهده کرد. حقوق مدنی روم بر اشخاص غیر رومی جاری نمی‌شد. محاکم خاصی صلاحیت پرداختن به مسائل بین کشورها (وجود عناصر خارجی) را داشتند. مامورین دولتی به نام پراتور این قبیل محاکم تخصصی را اداره می‌کردند. قضات مذکور (پراتورها) قانون کشور دیگر را برای حل مسائل انتخاب نمی‌کردند ولی قانونی به نام ژوس گنتوم مجموعه ای از قواعد منعطف و مبتنی بر هنجارهای بین‌المللی را بر خارجی‌ها اعمال می‌نمودند. قاضی برای هر پرونده یک دسته قواعد ماهوی ایجاد می‌کرد که



با پرونده های دیگر تفاوت داشت. قضات رومی در این مساله خاص تقریباً نقش قانون گذار را ایفاء کردند. (فدوی، ۱۳۸۵ و الماسی، ۱۳۹۰، ارفع نیا، ۱۳۹۳) تعارض قوانین مدرن تر در اواخر قرن وسطی در شرق ایتالیا به خصوص در شهرهایی که تجارت رونق فراوان داشته مثل جنوا و پیزا و ونیس رواج داشت. ضرورت حل اختلافات تجاری میان بازرگانان شهرهای مختلف سبب شد که تئوری و قانون در آنجا توسعه یابد. بدین ترتیب قانون برخی از شهرهای ذکر شده به عنوان قانون شخص و قانون شهرهای دیگر را قانون اموال عینی به حساب می آوردند. اعمال این قاعده به اعمال قانون محلی منتهی می شد که مال در آن جا قرار داشت. قرن هجدهم شاهد پیشرفت های عمده در تعارض قوانین بوده و از آن زمان تاکنون همچنان در حال تحول می باشد. اکنون در هزاره سوم به ساز و کارهای تجارت بین الملل با زعامت آمریکا و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای این دو قاره برای مدیریت بر اقتصاد جهان به سود خویش فراهم آوردند، نوای هم نوایی و یکسان سازی قوانین تجاری و مدنی با قوت بیشتری نواخته می شود و نوید ظهور و شکل گیری دهکده جهانی در هزاره سوم را سر داده اند، گام های اولیه را حداقل در دو قاره در دو سوی اقیانوس اطلس برداشته اند. (wacks, 2006) در حوزه تعارض قوانین علی الاطلاق معترفند قواعد انتخاب قانون در آمریکا و اروپا در نیمه اول قرن بیستم از یکدیگر فاصله داشتند. ولی با انقلاب تعارض قوانین در آمریکا تئوری سنتی حقوق مکتسب را به دور انداختند و راه را برای چندین دیدگاه نو هموار کردند. در هر مورد بر دو اصل قابلیت انعطاف و منصفانه بودن متمرکز شدند. در اروپا، برعکس آمریکا، تئوری قاعده انتخاب قانون به روش کلاسیک به نفع اصول قابل پیش بینی و معلوم بودن قانون در دادرسی ها رواج یافت. (ruhl, 2007) قرن بیستم شاهد واگرایی و اختلاف در قاعده انتخاب قانون حاکم در فرانسوی آتلانتیک بود. در واقع بعد از مباحثات طولانی در موضوع قانون حاکم بر قراردادها سرانجام بین دیدگاه های دو سوی اقیانوس اطلس وفاق حاصل شد و همگرایی بین نظام های مختلف حقوق آمریکا و اروپا اتفاق افتاد. هر دو نظام حقوقی اصل آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم را پذیرفتند. البته طی چند سال اخیر اروپا و آمریکا در موضوع تعارض قوانین راجع به قانون حاکم بر قراردادها به سوی هم گام برداشتند و فاصله را حذف یا کاهش دادند. (ایران پور، ۱۳۹۰) قواعد تعارض قوانین در امور خانواده، از جمله مهریه، نفقه و غیره باید به نحوی تنظیم شود که با هویت، تعلق یا انتساب اشخاص منطبق باشد. در احوال شخصیه یک تقابل طولانی میان تابعیت و اقامتگاه وجود داشته است. کامن لا به طور سنتی، قانون اقامتگاه یا قانون مقر دادگاه را بر روابط خانوادگی بین المللی اعمال می کند. اما در کشورهای رومی - ژرمنی، ابتدا فرانسه در سال ۱۸۰۴ و اتریش در سال ۱۸۱۱، اصل تابعیت را مورد پذیرش قرار دادند. این اصل در ایتالیا در سال ۱۸۶۵، تحت تأثیر اندیشه های مانچینی به صورت قاعده حل تعارض دوجانبه درآمد و به لحاظ تئوریک مورد پذیرش قرار گرفت. اما در سالهای اخیر، کشورهای مختلف به تدریج متأثر از کنفرانس بین المللی خصوصی لاهه، به سوی اصل محل سکونت عادی گرایش یافته اند. (Nishitani, 2014) مسائل احوال شخصیه با زندگی خصوصی اشخاص ارتباط نزدیک دارد و لازم است ضابطه تعیین قانون حاکم در این قلمرو، با هویت اشخاص پیوند داشته باشد. تعارض قوانین در صورتی بین دو یا چند کشور مطرح می شود که دولتها با یکدیگر رابطه داشته و یک رابطه حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. مثلاً اتباع کشورها اگر مجاز به رفت و آمد به کشورهای دیگر نباشند و همیشه در قلمرو کشور خود اقامت داشته باشند، هیچگاه در خصوص احوال شخصیه، مساله تعارض قوانین پیش نخواهد آمد؛ زیرا همیشه قانون کشور متبوع خودشان صالح خواهد بود و به اختلافات آنها رسیدگی خواهد کرد. شرط دیگری که برای بروز تعارض قوانین ضروری است، این است که قانونگذار یک



کشور به قانون خارجی اجازه بدهد که در برخی موارد به اجرا درآید. اما چنانچه قانونگذار فقط قانون کشور خودش را در تمام موارد صلاحیتدار بداند و نسبت به تمام سکنه‌ی کشور، اعم از اتباع داخلی و خارجی، یک قانون را اجرا کند، دیگر مساله‌ای به نام تعارض قوانین بوجود نخواهد آمد. به عبارتی اگر قانونگذار اغماض نکند و اجازه‌ی اجرا به قانون خارجی ندهد، مساله‌ی تعارض قوانین قبل از اینکه مطرح شود، حل می‌شود. سومین شرطی که برای پیدایش تعارض قوانین ضرورت دارد این است که بین قوانین کشورها در خصوص یک مساله‌ی خاص، قوانین متفاوت وجود داشته باشد. به عبارتی اگر قوانین کشورها با هم یکسان باشد، دیگر انتخاب این قانون یا آن قانون عملاً بی‌فایده خواهد بود؛ زیرا در هر دو صورت نتیجه یکی خواهد شد. لذا وقتی می‌توانیم صحبت از انتخاب کنیم که قوانین کشورها با یکدیگر متفاوت باشد و احکام متفاوتی را بیان کرده باشند. بعنوان مثال، چنانچه زوجین فرانسوی مقیم در ایران، در دادگاه ایران اقامه‌ی دعوی طلاق کنند، از آنجا که قانون فرانسه و قانون ایران، هر دو در خصوص مساله احوال شخصیه یکسان است، عملاً تفاوتی نمی‌کند که قاضی ایرانی کدام قانون را اعمال کند؛ زیرا طبق هر دو قانون، «احوال شخصیه تابع قانون دولت متبوع است». اما اگر همین زوجین انگلیسی باشند، بین قانون ایران و قانون انگلستان تعارض واقع می‌شود؛ زیرا براساس قانون ایران، قانون کشور انگلستان بعنوان قانون دولت متبوع زوجین صلاحیت دارد و براساس قانون انگلستان، قانون ایران صلاحیت دارد زیرا، انگلستان احوال شخصیه را تابع قانون کشور اقامتگاه می‌داند. (کارگزاریان، ۱۳۹۱)

## گفتار دوم: مفهوم مهریه در نظام حقوقی ایران و آمریکا

### ۱\_ مفهوم مهریه در نظام حقوقی ایران

در اصطلاح حقوقی، مهر یا صداق مالی است که وقتی زن ازدواج می‌کند مالک آن می‌شود. برخی بر این اساس که در تعیین میزان مهر وجود یا عدم وجود خصوصیات یا صفاتی در زن دخالت دارد، استنباط کرده‌اند که مهر قیمت و ارزش زن است، در حالی مهر یک نشانه از صدق و راستین بودن علاقه مرد به زن است. همچنین مهر به خود زن پرداخت می‌شود و مال او به حساب می‌آید، یعنی مهر مزد بزرگ کردن و شیردادن زن نیست. زیرا زن طرف عقد نکاح می‌باشد. از طرفی الزامی به تعیین مهریه نشده است و عقد نکاح بدون مهریه نیز صحیح می‌باشد. بنابراین مهریه قیمت یک زن نیست. (بداغی، ۱۳۸۸) مهریه یک رسم دیرینه در اسلام است که به قبل اسلام نیز برمی‌گردد، این نهاد سنتی و مذهبی مورد تایید حقوق ایران نیز می‌باشد. اما امروزه ایرادات و مناقشاتی بر مبنی اینکه مهریه در نکاح مانند یک معاوضه است و رابطه زن و مرد را به رابطه مالک و مملوک شبیه می‌سازد، مطرح می‌شود. در حالی که در اسلام و به تبع آن در قوانین موضوعه، عقد نکاح یک پیوند مقدس و معنوی است و پرداخت مهریه نه تنها معاوضه نیست بلکه همان نشانه راستین بودن علاقه مرد است. حال اینکه بحث مطالبه مهریه غالباً در زمانی مطرح می‌شود که بین زوجین اختلاف موجود و قصد جدایی و متارکه داشته باشند. مهریه انواعی دارد که به شرح ذیل است:

#### الف) مهرالمسمی

گاهی مقدار مهریه را خود زوجین تعیین می‌کنند، که به این نوع مهریه، مهرالمسمی می‌گویند و اراده زوجین در تعیین مقدار آن آزاد است، ولی به گونه‌ای که مقدار آن، آنقدر کم تعیین نگردد که فاقد ارزش مالی باشد. در غیراینصورت



قرارداد مهرالمسمی باطل است و برای مهریه های سنگین نیز گرچه برخی حقوقدانان نظر به ابطال قرارداد مهریه به دلیل عدم توانایی پرداخت مرد و عدم تسلیم آن داشتند، اما این عقیده قابل دفاع نیست و با قواعد عمومی و ادله باب معاملات و قراردادهای ناسازگار است، زیرا در مرحله پرداخت دین هم عجز از تادیه خللی به صحت ایجاد دین برای مدیون وارد نمی سازد و قواعد مربوط اعسار پاسخگوی آن است.

#### ب) مهرالمثل

مهرالمثل یا مهر متعارف همانطور که از نام آن پیدا است، مهری که مقدار آن بر اساس عرف و آنچه در ماده ۱۰۹۱ ق.م.آ.م آمده است تعیین می گردد نه با تراضی طرفین. اصولاً در سه مورد زن مستحق مطالبه مهرالمثل است. مورد نخست زمانی که مهریه تعیین نشده باشد یا عدم مهر شرط شده باشد، در این صورت طبق ماده ۱۰۸۷ ق.م.آ.م، زوجین می توانند بعد از نکاح مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معینی بین زوجین نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود. مورد دوم، زمانی است که نکاح باطل باشد ولی زن با جهل و به شبهه بطلان نکاح، با مرد نزدیکی داشته است که در این صورت زن مطابق ماده ۱۰۹۹ ق.م.آ.م مستحق مهرالمثل است. مورد آخر در فرضی که بگوییم قرارداد مهرالمسمی باطل بوده که به دلیل فقدان مالیت یا مجهول ماندن مهرالمسمی، زن می تواند مطابق ماده ۱۱۰۰ ق.م.آ.م مهرالمثل دریافت کند.

#### ج) مهرالمتعہ

مهری است که طبق ماده ۱۰۹۴ ق.م.آ.م در صورتی که نکاح بدون مهر و قبل از نزدیکی، طلاق واقع شود، که زن استحقاق مهرالمتعہ را دارد، میزان آن نیز متناسب با وضعیت مالی مرد تعیین می گردد. در این نوع مهریه اختلاف نظر وجود دارد. (صفر، ۱۳۹۰) در نکاح دائم مهریه رکن صحت عقد نیست بنابراین تعیین یا عدم تعیین آن خللی به عقد وارد نمی سازد. اگر به هر دلیلی مهریه در عقد باطل باشد، موجب بطلان عقد نکاح نیست. نکته حائز اهمیت این است که مال موضوع مهریه باید در مالکیت خود مرد باشد یا اگر متعلق به اشخاص ثالث است، با رضایت ایشان آن مال به عنوان مهریه قرار گرفته باشد. میزان مهریه همان است که در عقدنامه بین زوجین به توافق رسیده و درج شده است. بعد از نکاح، زن می تواند هر زمان که اراده کند تمام یا بخشی از مهریه خود مطالبه یا ابراء کند، و حتی عملاً میزان مهریه را کاهش دهد، اما طرفین نمی توانند حتی با توافق یکدیگر میزان مهریه را افزایش دهند. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ افزایش مهریه را بعد از انعقاد عقد نکاح، غیرشرعی و باطل اعلام کرده است. اگر زن مهریه خود را کامل مطالبه کرده باشد و قبل از نزدیکی طلاق رخ دهد و زن نیز باکره باشد، باید نصف مهریه دریافتی را به مرد بازپس دهد و اگر آن را تلف کرده باشد یا به هر ترتیبی تلف شده باشد، باید مثل یا قیمت نصف مهریه را بازپس دهد. اگر زن مهریه خود را مطالبه نکرده باشد، بلکه مهریه خود را به مرد بخشیده باشد؛ زن باید نصف مهریه را در زمان طلاق بپردازد. در حالی که اگر زن مرد را از مهریه ابراء کرده باشد، نیازی به پرداخت مبلغی در زمان طلاق به مرد نیست. (توکلی، ۱۴۰۰) طبق ماده ۱۰۸۱ ق.م.آ.م اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تادیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است. بنابراین هرگونه شرط خیار برای فسخ نکاح باطل است، هرچند که نسبت به مهر شرط خیار صحیح است، یعنی نه عقد خیار می شود و نه مهر، چون شرط باطل است و تأثیری در قصد نداشته است، بنابراین مهریه



و عقد هر دو صحیح و منجز می‌باشند. این حکم مطابق با فتوای مشهور فقها نیز می‌باشد. (محقق داماد، ۱۳۸۲) یکی از چالش‌هایی که در مورد مهریه وجود دارد، مهریه‌هایی که به صورت سکه ای می‌باشند. مهریه به عنوان یک قراردادی که در کنار عقد نکاح، حاصل توافق و اراده زوجین است. یکی از موضوعاتی که در مورد مهریه‌های سکه ای رخ می‌دهد، نوسان قیمت آنها است. که این نوسان قیمت می‌تواند در ۲ حالت باشد؛ در حالت اول نوسان متعارف، که این نوسان اگر در حد متعارف و رایج باشد مرد قیمت حین العقد و این مقدار نوسان را معمولاً پرداخت می‌کند. نوسان و افزایش متعارف سکه حتی اگر قصد در زمان عقد نباشد به استناد ماده ۲۲۵ ق.م که وجود امری در عرف را به منزله تصریح در عقد می‌داند، مرد را به پرداخت قیمت آن متعهد می‌داند. حالت دوم نوسان نامتعارف است، اگر این نوسان و افزایش قیمت سکه فراتر از حد معمول و غیرمتعارف باشد، قطعاً پرداخت سکه به قیمت روز قابل انتساب به اراده متعهد و حتی متعهدله نیز نمی‌باشد و قیمت زمان عقد ملاک می‌باشد. البته از آنجا همه ی ما می‌دانیم که قیمت طلا در بازار به صورت متعارف نوسان پیدا می‌کند می‌توان گفت که قصد طرفین قیمت نوسان بوده است. تنها در مواردی می‌توان نوسان نامتعارف را مشمول قصد طرفین دانست که بدین امر تصریح و ثابت گردد، اما این قصد گاهی با نظم عمومی در تعارض است. برخی اظهار نظر دارند که مهریه‌های تعیین شده حتی با نوسان نامتعارف سکه از حقوق زن محسوب می‌شود. در حالی که بر اساس حاکمیت اراده‌ها این تعهد قانوناً خارج از قرارداد مهریه بوده، از نظر اجتماعی نیز گویا ازدواج را با تجارت اشتباه گرفته‌اند، در حالی که افزایش قیمت سکه رابطه معناداری با افزایش جدایی‌ها و به اجرا گذاشتن مهریه داشته است؛ به طوری که وصول مبالغ هنگفت آن وسوسه‌انگیزه بوده و موجب متلاشی شدن خانواده‌ها و زندگی مشترک شده است. و از طرف دیگر موجب شده است که مردان مجرد بیش از قبل نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده حساس شوند، به طوری که ترجیح می‌دهند مجرد باشند، و در نتیجه موجب افزایش روابط آزاد خارج از نکاح گردیده است. در مهریه‌هایی که به صورت سکه و کلی فی الذمه تعیین می‌گردند در صورتی که مرد توان پرداخت آن را نداشته باشد در واقع مصداق وضعیت تعهد نامقدور است، که در چنین شرایطی به دلیل غیرقابل اجرا بودن آن و با لزوم شرط قدرت معلوم و حداقل تردید در قدرت تسلیم باید تعهد را غرری و در نتیجه باطل دانست. (شکری، ۱۴۰۲) از منظر تئوریک که برخی حقوق‌دانان اقتصاد به آن اشاره کرده‌اند، تأثیری است که افزایش مهریه در فرزندآوری دارد. می‌توان گفت هر چقدر مهریه زن افزایش یابد انگیزه مرد برای فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد، در حالی که ممکن است این انگیزه برای زن کاهش یابد. (روشن و همکاران، ۱۴۰۱) همانگونه که در ماده ۱۰۷۸ تا ۱۰۸۰ و دیگر مواد قانون مدنی اشاره شده است، مهریه تعیین شده از جانب زن باید دارای شرایطی همچون مالیت داشتن، مشروع بودن، قابل تملک بودن، دارای منفعت عقلایی، معلوم بودن و قابل تسلیم بودن باشد. بنابراین می‌توان مال منقول مانند سکه، وجه نقد، قرآن، شاخه گل یا شی خاصی و مال غیرمنقول همچون خانه، آپارتمان یا زمین زراعی به عنوان مهر تعیین کرد. اگر مهریه زن تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ است، ولی چنانچه مهریه بیش از این میزان باشد، زن اگر بخواهد مازاد آن را نیز مطالبه کند باید توانایی مالی مرد را اثبات نماید. اگر مهریه وجه نقد باشد، طبق قانون الحاقی یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م در خصوص مهریه مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه، نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو



دیگری تراضی کرده باشند. حال اگر مهریه، سفرهای زیارتی یا تعدادی شاخه گل باشد چگونه محاسبه و باید به زن پرداخت شود؟ اگر مهریه زن حج یا سفرهای زیارتی باشد، مقدار و هزینه آن سفر از طریق سازمان حج و زیارت استعلام گرفته می‌شود که معمولاً قیمت آن به صورت حداقل و حداکثر می‌باشد و اداره اجرای ثبت میانگین آن را لحاظ کرده و مرد را مکلف به پرداخت قیمت روز مذکور می‌نماید. اما در خصوص مهریه‌هایی که شاخه گل به تعداد معین برای مثال به تعداد سال تولد زوجه می‌باشند، اگر زن از طریق اداره اجرای ثبت تقاضای مطالبه کند، اجرای ثبت از طریق اتحادیه گل فروشان، قیمت گل را استعلام گرفته و مرد را مکلف به پرداخت می‌کند. (نصراللهی و محمدی، ۱۴۰۱) از آنجایی که برخی از افراد اعضای بدن مرد را به عنوان مهریه خود قرار می‌دهند، باید گفت که طبق ماده ۱۰۷۸ ق.م.د.ست است که برخی از اعضای بدن دارای مالیت هستند ولی شرایط به گونه‌ای نیست که زن بتواند برحسب این ماده و ماده ۱۰۸۲ ق.م. مهریه خود را که اعضای بدن مرد می‌باشد مطالبه کند، زیرا تعیین چنین مهری مبنای قانونی و شرعی ندارد و زن نمی‌تواند آن را مطالبه کرده کند. تنها او مستحق دریافت مهرالمثل است. (انصافداران، ۱۳۹۱)

## ۲\_ مفهوم مهریه در نظام حقوقی آمریکا

در برخی کشورهای اروپایی مهریه با نام قیمت عروس یاد می‌شود. اگرچه مهریه یا بهای عروس، معمولاً با کاهش طبقه بندی اجتماعی همراه است و از طرفی، جوامعی که این عرف را انجام می‌دهند معمولاً به اندازه کافی توسعه یافته‌اند که دارای نوعی دارایی برای انتقال در زمان ازدواج باشند، که در این خصوص می‌توان گفت در بسیاری از فرهنگ‌های بومی آمریکای شمالی و جنوبی چنین بوده است. (Anderson, 2007) از آنجا که حقوق آمریکا یک نظام کامن لا می‌باشد، بنابراین مفهوم مهریه با آنچه که در ایران وجود دارد متفاوت است. در واقع مهریه نقشی در ازدواج آن‌ها ندارد و حتی برخی از کشورهایی که نظام آن‌ها کامن لا است، مهریه را ناعدالتی در حق مرد می‌دانند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تکلیف حقوق مالی زن در صورت طلاق چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که در ایالات متحده آمریکا در صورت جدایی زوجین، ما با یکی از این دو موضوع مواجه می‌شویم، تقسیم دارایی مشترک یا توافق‌های طرفین طبق قراردادهای پیش از ازدواج. اگر قرار باشد که دارایی‌های زن و مرد پس از ازدواج یک دارایی مشترک به حساب بیاید، یعنی اختصاص به شخص خاصی نداشته باشد، تنها در نظام کامن لا مانند آمریکا با نام اشتراک در اموال مورد پذیرش قرار گرفته می‌شود. در بحث اشتراک دارایی بین زن و مرد قبل از طلاق، اختیارات مرد در اداره این اموال گسترده‌تر از زن می‌باشد. در سیستم حقوقی کامن لا زوجین تا قبل از طلاق در اموال و دارایی یکدیگر شریک‌اند و حق دخل و تصرف در اموال را دارند. در واقع، وقتی اشتراک دارایی برقرار است دیگر اموال مفهوم اختصاصی ندارد و حق قانونی آن‌ها است که در آن تصرف کنند، به جز اموالی که مورد استفاده اختصاصی هر یک از طرفین می‌باشد. اما در هنگام جدایی با توجه به رژیم مالی که در روابط زن و شوهر حاکم بوده است در مورد اموالی که وجود دارد به طور کلی راجع به حقوق طرفین تصمیم‌گیری می‌شود. در تقسیم اموال دادگاه مواردی مانند؛ مدت زمان زندگی زناشویی و نقش هر یک از طرفین در زندگی را مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، تقسیم اموال باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌یک از آن‌ها پس از آن دچار مشکلات اقتصادی و زیان مالی نگردند، به خصوص کسی که حضانت کودکان بر عهده اوست. در مورد تقسیم اموال دادگاه به هیچ وجه رفتار گذشته طرفین که چه کسی مقصر جدایی بوده است، توجه نمی‌کند. ایالت‌های مختلف



آمریکا از نظر تقسیم دارایی‌ها بعد از طلاق با هم تفاوت دارند. برخی ایالت‌ها بر اساس تقسیم "برابر" اموال، یعنی به صورت نصف کردن دارایی عمل می‌کنند. و برخی دیگر بر اساس تقسیم "منصفانه" که لزوماً میان هر دو نفر برابر نیست، برای مثال پدر یا مادر که حضانت طفل را بر عهده دارد می‌تواند در تقسیم منصفانه دارایی، سهم بیشتری دریافت کند. در حقوق آمریکا در بحث تقسیم اموال، دارایی‌های پیش از ازدواج معمولاً شخصی محسوب می‌شوند و دارایی‌های پس از آن به صورت برابر یا منصفانه بین مرد و زن تقسیم می‌شود. در زندگی مشترک، دارایی‌هایی که طرفین به دست آوردند باید بر اساس نوع و ماهیت دارایی و شرایط اولیه و فعلی به دست آوردن آن‌ها بین زوجین تقسیم شوند، مگر آنکه طبق قراردادهای پیش از ازدواج یا دادگاه تصمیم دیگری اتخاذ گردد. یک روش طلاق در آمریکا وجود دارد، به نام همکاری در طلاق یا طلاق مشارکتی، که زن و مردی که قصد جدا شدن دارند سر مسائل مربوط به طلاق و حقوق مالی به توافق می‌رسند. این روش امروزه در آمریکا بین زوج‌ها که قصد جدا شدن دارند محبوبیت یافته است. باید گفت، درست است که در حقوق ایران حقی به نام تنصیف دارایی وجود دارد، اما با تقسیم دارایی مشترک در حقوق آمریکا متفاوت است، زیرا در حقوق آمریکا تقسیم دارای مشترک به صورت شروط ضمن عقد نمی‌باشد و دارایی مشترک با نظارت قاضی مربوطه تقسیم می‌شود و از طرفی، در تقسیم دارایی تمام دارایی زن و مرد به صورت مساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود نه فقط مرد متعهد تقسیم اموال خود شود. اشتراک دارایی در نظام کامن لا از لحظه ازدواج وجود دارد و در تمام طول زندگی مشترک ادامه می‌یابد و فقط در هنگام طلاق مطرح نمی‌شود. نکته دیگر، اجرای شرط اشتراک دارایی و تقسیم اموال در هنگام طلاق در حقوق آمریکا منوط به شرایط خاصی نیست و فرقی نمی‌کند که درخواست طلاق از جانب کدام یک از طرفین باشد. (امیری، ۱۴۰۳) اما در بحث قراردادهای پیش از ازدواج باید اشاره کرد که قراردادهای برای کنترل بسیاری از فعالیت‌های ما به کار گرفته می‌شوند. با این حال، اگرچه ازدواج آشکارا یک رابطه بسیار مهم در زندگی بسیاری از افراد است و فرصت بستن قراردادهای مربوط به آن وجود دارد، افراد بسیار کمی در مورد ازدواج خود قرارداد امضا می‌کنند. مفسران و متخصصان حقوقی تخمین می‌زنند که تنها ۵ تا ۱۰ درصد از جمعیت قراردادهای پیش از ازدواج منعقد می‌کنند، و یک مطالعه نشان می‌دهد که تنها ۱،۵ درصد از متقاضیان مجوز ازدواج به فکر انعقاد چنین قراردادهایی هستند. پیش بینی‌های آماري اداره سرشماری ایالات متحده نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از اولین ازدواج‌های اخیر به طلاق ختم می‌شود. علاوه بر این، افرادی که معتقدند درخواست یک قرارداد پیش از ازدواج سیگنال منفی به شرکای ازدواجشان ارسال می‌کند، کمتر احتمال دارد که از آن‌ها بخواهند چنین قراردادهایی را امضا کنند. بررسی مختصر وضعیت حقوقی دادگاه‌های مدرن نشان می‌دهد که معمولاً قراردادهای قبل از ازدواج اجرا می‌شود. درست است که از نظر تاریخی، دادگاه‌های ایالتی از اجرای هر قراردادی که سعی در تخصیص دارایی در مورد طلاق داشته بود، خودداری کردند. زیرا تا دهه ۱۹۷۰، دادگاه‌ها بر این باور بودند که توافقنامه‌های «در نظر گرفتن طلاق» برخلاف سیاست عمومی ثبات زناشویی غیرقابل اجرا هستند. با این حال، در سال ۱۹۷۰، دادگاه عالی فلوریدا این عقیده کلی در مورد قراردادهای پیش از ازدواج را در پرونده ای رد کرد و معتقد بود که چنین توافقاتی تا زمانی که منجر به جدایی یا طلاق نشود، قابل اجرا می‌باشد. دادگاه‌های دیگر به این نتیجه رسیدند که قراردادهای پیش از ازدواج فی نفسه مغایر با سیاست عمومی ترویج ثبات ازدواج نیست. بنابراین در سال ۱۹۸۳ قانونی برای افزایش قابلیت اجرایی قراردادهای قبل از ازدواج به تصویب رسید. در سال ۱۹۹۰، دادگاه عالی پنسیلوانیا یک گام فراتر رفت و اعلام کرد که هرگونه بررسی قضایی در مورد شرایط



ماهوی قراردادهای پیش از ازدواج نامناسب است. اکثریت معتقد بودند که «رویگرد پدرسالارانه» دیگر نمی‌تواند در زمانی که زنان استقلال اقتصادی و موقعیت برابر طبق قانون دارند، توجیه شود. برای قراردادهای قبل از ازدواج کافی باشد. در سال ۲۰۰۲، موسسه حقوقی آمریکا اصول قانون انحلال خانواده اصول ALI را تولید کرد. این اصول با اظهار نظر در مورد خط مشی حمایت از قراردادهای قبل از ازدواج و با تصدیق این که قراردادهای قبل از ازدواج معمولاً باید قابل اجرا باشند، آغاز شد. امروزه، به نظر می‌رسد دادگاه‌های ایالتی تقریباً همه قراردادهای پیش از ازدواج را اجرا می‌کنند. بنابراین، بسیاری از زوجها ممکن است از یک قرارداد پیش از ازدواج بهره ببرند که به طور منطقی تری برای همسر وابسته اقتصادی در صورت طلاق فراهم می‌کند. قراردادهای پیش از ازدواج می‌توانند با تخصیص دارایی‌های قبلی و پیش بینی میانجی‌گری در موارد اختلاف، هزینه‌های مالی طلاق را کاهش دهند و از این طریق به کلی از دادگاه اجتناب کنند. حتی اگر بخش‌هایی از توافق یا قابلیت اجرایی آن کاملاً مشخص نباشد، یک قرارداد پیش از ازدواج تعداد تصمیمات دادگاه را کاهش می‌دهد و همچنین، قراردادهای پیش از ازدواج نیز می‌توانند آسیب‌های عاطفی طلاق را با اجازه دادن به زوجین برای برنامه‌ریزی برای طلاق در زمانی که هر دو همسر سازگار و همکاری می‌کنند، کاهش دهد. از آنجایی که امروزه استفاده غالب از قراردادهای پیش از ازدواج برای محافظت از دارایی‌های قبل از ازدواج است، افرادی که با دارایی‌های بیشتری نسبت به شریک زندگی خود وارد ازدواج می‌شوند، ممکن است احتمال بیشتری برای بررسی چنین قراردادی داشته باشند. همچنین ممکن است افرادی که انتظار دارند حقوق بیشتری نسبت به همسر خود دریافت کنند، از یک قرارداد پیش از ازدواج برای محافظت از دارایی‌های آینده خود نیز استفاده کنند. (Mahar, 2003)

### گفتار سوم: تعارض قوانین مهریه در ایران و آمریکا

در بحث تعارض قوانین مهریه که مربوط به احوال شخصیه افراد می‌باشد، در فرضی که زن تبعه ایرانی و مرد تبعه آمریکایی باشد عقد نکاح در ایران بین آنها جاری شده باشد و مهریه زن به ارزش ۵۰۰ سکه طلا در عقدنامه ثبت شده باشد و پس از چند سال زندگی مشترک در کشور آمریکا، درخواست طلاق از سوی زن مطرح شود و زن درخواست اجرای مهریه را در دادگاه آمریکا ارائه کند با توجه به عدم تعریف دقیق مهریه در این کشور آیا مطالبه مهریه از سوی زن قابل اجرا می‌باشد؟ از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی، احوال شخصیه مهم ترین بحث عملی تعارض قوانین تلقی می‌شود. احوال شخصیه امور و اوصاف مربوط به شخصی است که وضع و حالت او را صرف نظر از شغل و مقام خاص او در خانواده، اجتماع و کشور معین می‌کند، این اوصاف جنبه شخصی داشته و قابل تقویم و مبادله به پول نمی‌باشد. در اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصطلاح احوال شخصیه شامل ازدواج، ترتیب اموال زوجین، طلاق، افتراق، جهیزیه، ابوت، نسب، فرزندخواندگی، اهلیت، بلوغ، ولایت و قیمومت، حجر، حق وراثت، وصایت، تصفیه و تقسیم ما ترک و کلیه مسائل و امور مربوط به حقوق خانوادگی دانسته شده است. برای تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه در حقوق موضوعه کشورهای مختلف، معمولاً دو عامل مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی عامل اقامتگاه و دیگری تابعیت. کشورهای مهاجر فرصت، علی القاعده احوال شخصیه را تابع قانون ملی می‌دانند تا بدین گونه حمایت از آنان به نحو کامل



تری تحقق یابد و برعکس، کشورهای مهاجر پذیر قانون محل اقامت اشخاص را حاکم بر احوال شخصیه می دانند. علاوه بر این، در برخی از کشورهایی که قانون ملی را در مورد احوال شخصیه لازم الرعایه می دانند، مثل فرانسه، در بعضی مسائل خانوادگی که مربوط به روابط دو نفر می باشد، مثل طلاق و نسب، اگر طرفین دارای دو تابعیت مختلف باشند، قانون اقامتگاه مشترک آنها اجرا می شود. (ارفع نیا، ۱۳۸۲) در حقوق ایران نیز احوال شخصیه افراد تابع قانون ملی شخص است. ماده ۶ قانون مدنی ایران در خصوص احوال شخصیه ایرانیان مقرر داشته است: قوانین مربوط به احوال شخصیه ... در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود و بلافاصله تکلیف خارجیان را در خصوص احوال شخصیه در ماده ۷ قانون مدنی چنین مقرر داشته است: ((اتباع خارج مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه ... در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.)) برخی از نویسندگان آثار ازدواج را به دو دسته آثار الزامی و آثار غیرالزامی تقسیم کرده اند. آثار الزامی جزء دسته احوال شخصیه است و حاکمیت اراده در آن منتفی می باشد. اما آثار غیرالزامی از احوال شخصیه خارج است و در زمره دسته قراردادهای قرار می گیرد. در این خصوص، در سال ۱۳۱۶ در دعوی زن یهودی علیه شوهر یهودی اش مبنی بر مطالبه مبلغ بخشش ما فی القباله، رأی جالبی صادر شد: «... بر فرض اینکه اصل مهریه را بتوان از لواحق نکاح و جزء احوال شخصیه و عادات متداوله مذکور در قسمت اول قانون ماده واحده احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه دانست ...؛ چون زوج به عنوان صلح و بخشش تعهد نموده که مبلغی به زوجه بپردازد، تعهد مزبور عقد جداگانه ای است و نمی توان آن را از لواحق نکاح دانست؛ بلکه تابع قواعد عمومی و قانون مدنی است» (فدوی، ۱۳۸۵). حقوق ایالات متحده آمریکا در خانواده ی نظام حقوقی کامن لا قرار می گیرد که ریشه در تاریخ تسلط انگلیسی ها و نظام حقوقی آنان بر مستعمرات سیزده گانه دارد. این مستعمره ها در قرن شانزدهم و هفدهم بر مبنای اصول سیاسی و حقوقی حاکم بر بریتانیا تأسیس شدند و حتی پس از کسب استقلال نیز به پیروی از نظام حقوقی کامن لا ادامه دادند، که همانگونه که ذکر گردید، بر آراء قضایی استوار است و قضات با آراء و احکام خود، رویه قضایی را شکل می دهند. در حقیقت، رویه قضایی و یا قواعد حقوقی هنگامی جزو نظام حقوقی آمریکا قلمداد می شوند که دادگاه ها آنها را تفسیر و اجرا کنند و اگر سابقه ای وجود نداشته باشد، قضات باید خود از ادله حقوقی، احکام مورد نظر را استخراج نمایند. علیرغم اشتراکات فراوان نظام کامن لا انگلستان با نظام کامن لا ایالات متحده، آنچه که نظام حقوقی آمریکا را منحصر به فرد کرده است، تفکیک بین حقوق دولت فدرال و حقوق دولت های ایالتی است که موجب شده عملاً دو سازمان قضایی موازی در ایالات متحده به وجود بیاید. بر مبنای این تفکیک، اختیارات و صلاحیت های قضات فدرال و ایالتها نیز از یکدیگر جدا می شود. هر ایالت یک نوع سیستم حقوقی جداگانه با سلسله مراتب حقوقی خاص خود دارد. به همین دلیل نمی توان یک سیستم واحد حقوقی با ساختار و تشکیلات و منسجم و یگانه در ایالات متحده شناسایی کرد. (فاطمی، ۱۳۷۹) قوانین ازدواج در ایالات متحده در سطح ایالتی تقنین شده و لذا هر ایالت حق دارد بر اساس مکانیسم های تقنینی، قواعد خاص خود را برای ازدواج وضع نماید. با این حال، قوانین مدنی ای در سطح فدرال وجود دارند که عملاً با قیود مرتبط با ازدواج مرتبط می شوند. (Herring, Johathan, 2001) همانند ازدواج، طلاق نیز در آمریکا براساس قوانین ایالتی و نه فدرال انجام می شود، به این معنی که قوانین طلاق در ایالات مختلف آمریکا تفاوت



هایی دارد و دولت مرکزی دخالت چندانی در این موضوع ندارد. تصمیم قانونی برای طلاق از سوی قاضی یا سایر مراجع قانونی اتخاذ می‌شود. براساس قانون، پروسه طلاق می‌تواند شامل مواردی چون حضانت بچه‌ها، حمایت مالی از آنها، تقسیم دارایی‌ها و بدهی‌ها شود. (Nik Badli Shah, 2000) در مورد دارایی‌های زن و مرد، ایالت‌ها قوانین گوناگونی دارند. براساس بعضی از ایالت‌ها بیشتر دارایی‌هایی که زن و شوهر در طول زندگی به دست آورده‌اند (به جز هدایا و ارث) تحت مالکیت هر دو نفر است و در صورت طلاق یا مرگ تقسیم می‌شود. این قانون بیشتر در ایالت‌های غربی اجرا می‌شود. (Mc Elroy, 1996) نظم عمومی با حاکمیت دولت‌ها ارتباطی مستقیم دارد و در همه نظام‌های حقوقی، شرط اجرای حکم خارجی، رأی داوری و اسناد لازم‌الاجرا به شمار می‌آید. (Batiffol and Lagard, 1983) طبق بند ۲ ماده ۶۱۳ قانون اجرای احکام مدنی، در صورتی که حکم خارجی مغایر با نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، از شناسایی و اجرای آن خودداری می‌شود. (کاشانی آرانی، ۱۳۹۰) خودداری از اجرای حکم خارجی در صورت مغایرت با نظم عمومی نه تنها در قوانین داخلی کشورها، بلکه در موافقت‌نامه‌ها و عهدنامه‌های بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. در این خصوص می‌توان به بند یک ماده ۲۷ موافقت‌نامه صلاحیت و اجرای احکام مربوط به امور مدنی و تجاری جامعه اقتصادی اروپا اشاره کرد که مقرر می‌دارد: در صورتی که شناسایی حکم خارجی مخالف با نظم عمومی کشوری باشد که شناسایی حکم صادره از دادگاه آن کشور درخواست شده، می‌توان از شناسایی آن خودداری کرد. (اشمیتوف، ۱۳۷۸) در حقوق انگلیس و آمریکا، احکام خارجی در صورتی قابل شناسایی و اجراست که دادگاه صادرکننده حکم بر اساس موازین کامن‌لا، صلاحیت رسیدگی به دعوا را داشته باشد. (الماسی، ۱۳۹۰) در حقوق انگلیس، دادگاه صادرکننده حکم در انتخاب قانون صلاحیت دار طبق قواعد تعارض قوانین انگلیس عمل کرده باشد یا نه، حکم دادگاه خارجی در دادگاه این کشور قابل اجراست (نصیری، ۱۳۷۰) اما در حقوق آمریکا باید بین احکام ایالات داخلی و احکام صادره از دادگاه‌های خارجی در این خصوص قائل به تفکیک شد، به بیان دیگر اگر دادگاه در مورد احکام ایالات داخلی دچار اشتباه شود، اصل اجرای حکم است؛ زیرا احکام معارض با قانون اساسی این کشور به لحاظ انتخاب قانون حاکم بر ماهیت دعوا می‌تواند در دیوان عالی آمریکا مورد تجدیدنظر قرار گیرد؛ ولی درباره احکام خارجی، تشابه بین قانون انتخابی دادگاه صادرکننده حکم با قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی آمریکا ضروری بوده، در صورت مغایرت قانون حاکم بر ماهیت دعوا با نظم عمومی این کشور از اجرای آن خودداری می‌شود (برنشتاین، ۱۳۶۴) در رابطه با قانون حاکم بر مهریه در حقوق بین‌الملل خصوصی می‌توان گفت، در باب مهریه، نسبت به وجود یا عدم وجود مهریه، نحوه تسلیم و تملک آن، ارتباط مهر با تمکین، وجود یا عدم وجود حق حبس برای شوهر و در موارد حق حبس، می‌بایست قانون دولت متبوع شوهر را به موقع اجرا گذارد. (فدوی، ۱۳۸۵)

### نتیجه‌گیری

تعارض قوانین زمانی مطرح می‌شود که دو یا چند کشور با یکدیگر رابطه حقوقی داشته باشند. مسائل احوال شخصیه، از جمله مهریه و نفقه، باید با هویت افراد مرتبط باشد. برای بروز تعارض، لازم است که قانون‌گذار اجازه دهد قانون خارجی در موارد خاصی به اجرا درآید و بین قوانین کشورهای مختلف در خصوص یک مسأله خاص، تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در مواردی که قوانین یکسان باشد، انتخاب قانون تفاوتی ایجاد نمی‌کند. از آنجا که حقوق ایران برگرفته از اسلام



می‌باشد، بنابراین مهریه یا صدق که زن بعد از ازدواج مالک آن می‌باشد و مرد مکلف به پرداخت آن است، مربوط به ایران و کشورهای اسلامی است و در کشورهای اروپایی مانند ایالات متحده آمریکا مهریه با چنین مفهومی وجود ندارد. مهریه، قیمت یا ارزش زن آن گونه که برخی کشورهای اروپایی استنباط کرده‌اند، نمی‌باشد. در حقیقت مهریه نشانه‌ای از صدق و راستین بودن علاقه مرد به زن است در حالی که در حقوق آمریکا به جای مهریه با عنوانی به نام تقسیم اموال مشترک یا قراردادهای پیش از ازدواج مواجه هستیم. مهریه در حقوق ایران متعلق به زن است و تنها از جانب مرد به زن پرداخت می‌شود. در عقد نکاح دائم مهریه شرط صحت عقد نیست، بنابراین الزامی برای تعیین مهریه در قوانین این کشور وجود ندارد. مهریه انواع مختلفی دارد که هر کدام از آن‌ها بسته به شرایطی، طبق قانون مدنی تعریف شده‌اند. زن در هنگام مطالبه مهریه خود ممکن است با این چالش‌ها مواجه شود؛ همچون نوسان نامتعارف مهریه سکه‌ای، عدم توانایی مالی مرد در پرداخت مهریه و یا عدم مشروعیت مهریه‌ای که اعضای بدن مرد است. و از طرفی مرد نیز با چالش‌هایی مانند پرداخت مهریه‌های سنگین که می‌تواند به صورت نامتعارف و حتی گاهی غیرمنصفانه باشد، و از سوی دیگر، هم در صورت عدم پرداخت مهریه مرد محکوم به حبس شود، و به رو گردد. در حالی که در حقوق آمریکا در بحث حقوق مالی زن بعد از طلاق دیگر با هیچ‌یک از چالش‌هایی روبه‌رو نمی‌باشیم، زیرا دارایی مشترکی که زن و مرد در طول زندگی مشترک به دست آورده‌اند در هنگام طلاق بین آنها به صورت مساوی تقسیم می‌شود، و یا طبق توافق‌های پیش از ازدواج که بین آنها ایجاد گردیده است. در حقوق آمریکا بدون در نظر گرفتن اینکه در بحث طلاق چه کسی مقصر است در مورد تقسیم دارایی مشترک حکم داده می‌شود، در برخی ایالت‌های آمریکا برای تقسیم دارایی مشترک دو نوع تقسیم وجود دارد؛ یکی تقسیم منصفانه، که در این تقسیم آن والدی که حضانت طفل را بر عهده دارد سهم بیشتری دریافت می‌کند. و در تقسیم برابر، دارایی مشترک زوجین به صورت مساوی تقسیم می‌شود. در حقوق آمریکا دارایی مشترک با نظارت قاضی مربوطه تقسیم می‌شود و در تقسیم دارایی تمام دارایی زن و مرد به صورت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود، نه اینکه مرد تنها متعهد به تقسیم اموال خود شود. اشتراک دارایی در آمریکا از لحظه ازدواج وجود دارد و در تمام طول زندگی مشترک ادامه دارد، و تنها در هنگام طلاق مطرح نمی‌شود. طبق قوانین ایران، احوال شخصیه افراد تابع قانون ملی آن‌ها است (ماده ۶ قانون مدنی ایران)، و بنابراین مهریه در صورتی که زن ایرانی باشد، طبق قانون ایران باید اجرا شود. اما در کشورهای مهاجرپذیر مانند آمریکا، در بسیاری از موارد مسائل خانوادگی مانند طلاق و مهریه، تابع قوانین محل اقامت (آمریکا) هستند. در حقوق بین‌الملل خصوصی، شناسایی و اجرای احکام خارجی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که حکم با نظم عمومی کشور صادرکننده مغایرت نداشته باشد. به عبارت دیگر، در صورت مغایرت حکم خارجی با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور میزبان، اجرای آن ممکن است با ممانعت روبه‌رو شود. در این زمینه، کشورهای مختلف مانند انگلیس و آمریکا بر اساس موازین حقوقی خود و قواعد تعارض قوانین، احکام خارجی را شناسایی و اجرا می‌کنند. می‌توان گفت که در خصوص مهریه در حقوق بین‌الملل خصوصی، قانون کشور متبوع شوهر برای مسائل مرتبط با مهریه، مانند وجود یا عدم وجود آن، نحوه تسلیم و تملک، و ارتباط مهر با تمکین و حق حبس، اجرا می‌شود. اما در مجموع، اجرای مهریه در آمریکا با توجه به عدم تعریف دقیق آن در قوانین این کشور، ممکن است دشوار باشد، مگر اینکه دادگاه آمریکایی اجرای آن را بر اساس توافقات یا اصول حقوقی بین‌المللی بپذیرد.



## منابع

- ارفع نیا، بهشید، (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، تهران، نشر بهتاب.
- ارفع نیا، بهشید، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، چاپ پنجم انتشارات بهتاب.
- اشمیتوف، کلاویام، (۱۳۷۸)، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و سایرین، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- الماسی، نجاد علی، (۱۳۹۰)، تعارض قوانین، چاپ بیست و یکم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- انصافداران، محمدرضا، (۱۳۹۱)، قوانین و مقررات خانواده در نظام حقوقی ایران و رویه قضایی (۱)، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- ایران پور، فرهاد، (۱۳۹۰)، قراردادهای تجاری بین المللی، شهر دانش.
- بداعی، فاطمه، (۱۳۸۸)، اخلاق و حقوق خانواده، چاپ چهارم، اصفهان، انتشارات حدیث راه عشق.
- توکلی، محمدمهدی، (۱۴۰۰)، حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ ششم، تهران، انتشارات مکتوب آخر.
- صفار، محمدجواد، (۱۳۹۰)، درس‌هایی از حقوق خانواده با تکیه بر موقعیت حقوقی زن در نکاح و طلاق، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- فاطمی، محمد، (۱۳۷۹)، نظام حقوقی انگلیس و ایالات متحده آمریکا، تهران، نشر آرنا.
- فدوی، سلیمان، (۱۳۸۵)، تعارض قوانین در حقوق ایران با تأکید بر احوال شخصیه، چاپ سوم، تهران، انتشارات طرح نوین اندیشه.
- کاشانی آرائی، رضا کریم، (۱۳۹۰)، شرایط اجرای احکام خارجی بر مبنای اعتبار امر مختوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۲)، حقوق خانواده نکاح و انحلال آن (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ ق.م)، چاپ دهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- نصیری، مرتضی، (۱۳۷۰)، حقوق چند ملیتی، تهران، نشر دانش آموز.
- امیری، بابک، شرط اشتراک دارایی زوجین در کامن لا، سیزدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، ۱۴۰۳.
- برنشتاین، ادوایر، ریسانو، اجرای احکام دادگاه‌های خارجی به وسیله دادگاه‌های فدرال آمریکا، ترجمه محمدجواد میرفخرایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۶۴.
- روشن، محمد، قاسمی، مجتبی فرهنگ، محمدرضا، تحلیل اقتصادی مهریه، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال هجدهم، شماره ۶۹، بهار ۱۴۰۱.
- شکری، محمد، چالش‌های حقوقی مهریه سکه: طرح راهکارهای قانونی، فصلنامه تعالی حقوق، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲.



نصراللهی، حمیدرضا، محمدی، مهدی، بررسی چالش‌های نحوه محاسبه و تعیین مقدار پنج نوع مهریه رایج (سکه طلا، وجه نقد، مهرالسنه، سفرهای زیارتی، گل) در ادارات اجرای اسناد رسمی، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱.

Anderson, Siwan, (2007), The economics of dowry and brideprice, Journal of economic perspectives, Volume 21, Number 4, 155.

Batiffol, Henri, Lagarde, Paul, (1983), Droit international privé, 7ème ed, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence.

Herring, Johathan, (2001), Family Law, Harlow: Longman.

Mahar, Heather, (2003), Why are there so few prenuptial agreements?, John M. Olin Center for Law, Economics, and Business, Discussion paper no. 436, 1\_26.

Mc Elroy, Lorie Jenkins, (1996), Women's Voices: a documentary history of women in America, Detroit: U. X. L.

Nishitani, Yuko (2014) Global citizens and family relations, Erasmus Law Review, Vol. 7, N

Nik Badli Shah, Nik Noriani, (2000), Marriage and divorce, International Law Book Services, Kuala Lumpur.

Ruhl Geisela, Conflict of laws in a Globalized World, 2007, p. 153.

Wacks, Raymond, Philosophy of Law, Oxford University Press, 2006, p. 3.